

نگاهی انتقادی به برنامه کومله برای حاکمیت مردم در کردستان (۱)

نسرور ناصری



داشتن برنامه یکی از ضروریات یک حزب سیاسی است که "چه می‌خواهیم" را در آن بیان می‌کند. از خصوصیات یک برنامه موفق این است که دچار ابهام در مفاهیم و تناقض در محتوا نباشد. هر گونه ابهام و تناقض در محتوای برنامه، آنرا فاقد اعتبار اجرایی می‌کند به همین خاطر باید دقت شود که در تنظیم بندهای آن ابهام و تناقضی رخنه نکرده باشد.

هدف از نوشتن این نقد نشان دادن بعضی ابهامات، تناقضات و مشکلات محتوایی این برنامه، دلایل و نتایج عملی آن است.

❖ زیربنای برنامه

اولین سوال اینست که محدوده ی جغرافیایی، نوع حکومت و نظام اقتصادی برنامه ی یک حزب سیاسی کدامها هستند؟ پاسخ به این سوالات اساسی و زیربنایی راهنمای ما می‌شود تا مشخص تر به بندها و مطالبات دیگر برنامه پردازیم و آنها را در ارتباط با این تعاریف اساسی و چشم اندازهای کلی بسنجیم و اگر در جایی دچار ابهام و تناقض شده بود از آن پرده برداریم.

در عنوان برنامه ی "برنامه کومله برای حاکمیت مردم در کردستان" ظاهراً محدوده ی جغرافیایی مشخص شده کردستان می‌باشد. اما نظر به واقعیات جغرافیای سیاسی منطقه ای که ما مردم کرد در آن زندگی می‌کنیم، بیان واژه ی "کردستان" به تنهایی مبهم می‌باشد. کردستان واژه ی آرمانی ما مردم کرد تحت ستم ملی می‌باشد. اما واقعیات سیاسی دنیای بیرون از این آرمان، سختیها و مشقات زیادی را بوجود آورده و تحمیل کرده است که نمی‌توان در برنامه های سیاسی برای آینده صرفاً آرمانگرایانه برخورد کرد و این واقعیات سرسخت را نادیده گرفت. هم اکنون در بین فعالان و احزاب سیاسی کرد ادبیات متفاوتی برای بیان سرزمین کردستان بیان می‌شود که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

✓ کردستان بزرگ (منظور تشکیل یک کشور واحد از به هم پیوستن چهار پارچه ی کردستان واقع در کشورهای ایران، ترکیه، عراق و سوریه می‌باشد).

✓ شمال کردستان، جنوب کردستان، شرق کردستان و غرب کردستان (برگرفته از چشم انداز کردستان بزرگ میباشد و بخش های کردستان قرار گرفته در چهار کشور نامبرده را جزوی از کردستان واحد به حساب می‌آورد).

✓ کردستان شمالی، کردستان جنوبی، کردستان شرقی و کردستان غربی (دیدگاهی که بازگو کننده این است که هر کدام از بخشهای کردستان میتوانند استقلال جداگانه داشته باشند).

✓ کردستان ترکیه، کردستان عراق، کردستان ایران و کردستان سوریه (دیدگاهی که پارچه های مختلف کردستان را بخشی از کشورهای مذکور می داند).

در این بررسی اجمالی مشاهده می شود که واژه ی "کردستان" به تنهایی از لحاظ سیاسی تا چه اندازه مبهم است. به همین خاطر کومله در تنظیم چنین سندی میبایست دقیقتر به این مقوله بپردازد.

در ابتدای مقدمه ی برنامه پاراگراف دوم می خوانیم:

● " اما در شرایطی که هنوز نظام سرمایه داری برقرار است ... "

و همچنین در فصل نهم که آخرین فصل برنامه است: " قانون کار و حقوق کارگران" بند دوم از بندهای اقدامات اقتصادی این تصویر از نظام اقتصادی جامعه ی کردستان ارائه شده است:

حکومت شورایی مردم کردستان برای تامین اهداف و مطالبات اقتصادی و رفاهی اقدامات زیر را در دستور کار خود قرار می دهد:

● در اختیار گرفتن موقوفات و مقرر داشتن **مالیات تصاعدی** (تمامی بولدها و زیرخطهای تاکید از من است) بر ارث و دارایی و بر درآمدهای حاصل از مالکیت وسایل تولید و مبادله؛

با این حساب جامعه ی مورد بحث برنامه جامعه ای است که هنوز نظام سرمایه داری در آن برقرار است، پس طبقاتی است و کسانی در آن جامعه هنوز بر ابزار تولید و مبادله مالکیت خصوصی دارند و به نسبت داراییهایشان باید مالیات تصاعدی بپردازند.

و اما در فصل چهارم بند حقوق زنان می خوانیم:

● در کردستان آزاد شده تحت **حاکمیت انقلابی کلیه تبعیضات علیه زنان** لغو می گردد و برای **تامین برابری کامل زن و مرد، حقوق زنان در همه ی عرصه های زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و خانوادگی به صورت قانون در می آید.**

همانطور که مشاهده می شود در این برنامه از دو نوع چشم انداز حکومتی سخن به میان آمده است. یکی **حکومت شورایی** (یا حاکمیت شورایی هر دو اصطلاح در برنامه بکار برده شده است) و دیگری **حاکمیت انقلابی**. تفاوت این دو نوع از اداره ی جامعه در برنامه روشن نیست و توضیح داده نشده است که چرا این دو مفهوم متفاوت بکار برده شده است.

در مورد نظام اقتصادی هم در این برنامه تناقض وجود دارد. در جامعه ای که هنوز سرمایه داری برقرار است و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید لغو نشده است و هنوز کسانی در این

جامعه زندگی می کنند که از لحاظ داراییهای شخصی در جایگاه بالاتری از مردم عادی نشسته اند با کدام پشتوانه ی مادی ادعای لغو کلیه تبعیضات علیه زنان و تامین برابری کامل حقوق زن و مرد مطرح شده است؟ آیا می شود در یک بند از یک برنامه ی واحد دم از **مالیات تصاعدی** زد و در بندی دیگر مدعی **برابری اقتصادی** شد؟

می بینیم که زیربنای "برنامه کومله برای حاکمیت مردم در کردستان" اعم از محدوده ی جغرافیایی، نوع حکومت و نظام اقتصادی مبهم و متناقض هستند و به همین اعتبار می توان ادعا کرد که این برنامه پشتوانه و اعتبار اجرایی ندارد.

اما مشکل این برنامه فارغ از این مسائل اساسی، موارد دیگری در تنظیم بندهای مطالباتی نیز هستند که در ادامه به آنها هم می پردازم:

❖ بررسی محتوای بندهای برنامه

در اینجا این سوال هم مطرح می شود که اصلا منظور از "تبعیض" در این برنامه چیست؟ که بدون رفع طبقات اجتماعی مدعی لغو کلیه انواع آن علیه زنان است!

در بند حقوق اقتصادی همین فصل چهارم می خوانیم:

• برابری کامل زن و مرد ، پرداخت مزد برابر برای کار مشابه به زنان و مردان،...

ظاهرا در نگرش برابریخواه "پرداخت مزد برابر برای کار مشابه به زنان و مردان" شاه بیت دفاع از حقوق زنان است که در فصل نهم قانون کار و حقوق کارگران بند ۱۴ هم دوباره بر آن تاکید شده است. در اینجا قصد من نقد غلط بودن دیدگاه برابری زن و مرد و یا زن ستیز بودن قانون مزد برابر برای کار مشابه زنان و مردان نیست که این نقد را در مقاله ای جداگانه تحت نام "مارکس و برابری (بحثی انتقادی در مورد برابری)"^(۱) به تفصیل انجام داده ام و نشان داده ام که این خواست به ظاهر پیشرو تا چه اندازه زن ستیز است. جهت اطلاع از نظراتم در این مورد میتوانید به آن مقاله مراجعه نمایید. اما خارج از این بحث، با توجه ی دوباره به اینکه جامعه هنوز طبقاتی است و مالیات تصاعدی اعمال میشود، با چه مکانیزمی در این برنامه یک زن ثروتمند جامعه که یا خودش ثروتمند است و یا زن فرد ثروتمندی است با یک زن شاغل یا بیکار برابر میشود؟ (حال قرار است با مرد هم برابر شود!!) و این در صورتی است در برنامه تنها محدودیتی که از لحاظ اقتصادی برای ثروتمندان دارای ابزار تولید و مبادله در نظر گرفته است وضع مالیات تصاعدی است. یک زن یا مرد ثروتمند راحت مقداری بیشتر مالیات می پردازد و کاملا متفاوت از دیگران زندگی مرفهی را پیش می برد. کما اینکه در کشورهای که هم اکنون مالیات تصاعدی وضع شده است، هرچند میانگین رفاهیات زندگی به نسبت کشوری مانند ایران بالاتر است اما سطوح مختلفی از زندگی در این کشورها نیز وجود

دارد و همین امر باعث شده است که هیچ وقت یک کارگر نتواند ادعای برابر بودن با سرمایه دار را داشته باشد هر چند سرمایه دار مالیات تصاعدی هم بپردازد. در چنین شرایطی دادن وعده ی "برابری" چه معنایی دارد؟

به این بند در بخش حقوق اجتماعی و سیاسی زنان از فصل چهارم حقوق زنان دقت کنید:

- **زنان باید از فشار کار خانگی رهایی یابند** و شرکت آنان در زندگی اجتماعی باید تسهیل شود و به این منظور موسسات خدماتی ویژه از قبیل **شیرخوارگاه**، مهد کودک، **لباسشویی** و **غیره** در محلات مسکونی ایجاد و بطور رایگان در اختیار عموم قرار گیرد.

و دوباره در فصل ششم رفاه عمومی و بیمه های اجتماعی شماره ۵ بر همین مضمون تاکید شده است:

- ایجاد موسسات خدماتی ویژه بمنظور **کاهش بار خانگی**، از قبیل **رختشویخانه**، مهد کودک و **غیره** در محلات مسکونی؛

این بندها از کار خانگی یک دیو بی شاخ و دم ساخته اند که زنان حتما باید از آن رهایی یابند بطوریکه شیر دادن مادران به نوزادانشان را هم جزو کار خانگی به حساب آورده اند که مادران باید از آن هم رهایی یابند و نوزادانشان را به شیرخوارگاه بسپارند(!!؟).

علاوه بر این، مطالبات حاکم بر این بند مربوط به دورانی است که پیشرفتهای تکنولوژیک مانند عصر حاضر در جامعه همگانی نشده بود. این مطالبات مربوط به چندین دهه قبل در ایران است(خود واژه "رختشویخانه" مربوط به آن دوران است). آن زمان که اغلب کارهای خانه با دست و توسط زن خانه انجام میشد. وسایل رفاهی مانند ماشین لباسشویی خانگی، ماشین لباس خشک کن، جاروبرقی، اتو برقی، یخچال، ماشین ظرفشویی، انواع فرها و اجاق گازهای مجهز و مدرن برای پخت و پز، کامپیوتر، اینترنت، تلویزیون، ماهواره و ... در شکل انبوه به بازار ایران و کردستان وارد نشده بودند و اکثر خانواده های طبقه ی پایین جامعه از آنها محروم بودند و واقعا کار خانه تمام وقت زن خانه دار طبقه ی محروم جامعه را به خودش اختصاص میداد. در آن زمان کار خانه بسیار کم به زن خانه دار فرصت می داد از خانه بیرون برود. اما امروزه دیگر وضع فرق کرده است. پیشرفت تکنولوژی در تمام زمینه ها و همچنین در زمینه ی لوازم خانگی، هم سختی کارهای خانه را بسیار کم کرده و هم وقت اضافی برای زنان خانه دار فراهم کرده است که بتوانند به بعضی کارهای دیگر هم برسند. دیگر برای شستن لباس لازم نکرده ساعتها وقت صرف شود و با زحمت دست این کار انجام بگیرد. امروزه کار شستن لباس را هر کسی حتی یک کودک هم میتواند انجام دهد به شرطی که یاد بگیرد چگونه با ماشین لباسشویی کار بکند که آن هم نیاز به آموزش آنچنانی ندارد و بسیار ساده است. تکنولوژی، زنانه - مردانه کردن کارهای خانه را منتفی کرده است.

اگر در جاهایی هنوز چنین مناسباتی وجود دارد و زنان هنوز در خانه محصور مانده اند باید ریشه اش را در وجود فرهنگ مذهبی و مناسبات مردسالارانه جستجو کرد و با آن برخورد نمود. این مشکل با ایجاد رختشویخانه و ... همگانی در محلات مرتفع نمی شود.

پس ایجاد چنین رفاهیتی در محلات دیگر موضوعیتی ندارد و بجای آن بهتر است به خانواده های محروم و امهای بلاعوض داده شود تا بتوانند رفاهیات یک زندگی مدرن و امروزی را تهیه کنند و زیاد به زحمت نیافتند. دیگر خواست و مطالباتی چون رختشویخانه در محلات خواست هیچ کسی در جامعه نیست. جامعه این دوران را پشت سر گذاشته است.

از وجود چنین بندی در برنامه ای که در این چند سال اخیر تنظیم شده است (متأسفانه در برنامه کومله برای حاکمیت مردم در کردستان اشاره نشده است که این برنامه در چه سالی و در کدام کنگره ی کومله به تصویب نمایندگان کنگره رسیده است) میتوان دو برداشت کرد:

یا رفقا در دوران گذشته گیر کرده اند و از پیشرفتهای چند دهه ی اخیر بی اطلاع هستند و به همین دلیل آنرا لحاظ نکرده اند.

و یا با اشراف بر این واقعیات چنین خواستهایی را گنجانده اند و دارند اهداف دیگری را تعقیب می کنند.

گمان نمی رود مشکل بی خبری از پیشرفتهای تکنولوژی باشد. در واقع فضایی که آنها احتیاج دارند تا سیاستهایشان را دیکته کنند چنین اقتضا می کند که بر چنین خواستهها و مطالباتی اصرار داشته و آنرا تغییر ندهند. به همین خاطر تنظیم کنندگان برنامه عمدا پیشرفت تکنولوژی را در عصر حاضر نادیده گرفته و با مطرح کردن مطالباتی که مربوط به چندین دهه قبل است آنرا دوباره در برنامه گنجانده اند.

در حقیقت هدف اصلی از تنظیم چنین بندهایی بکارگیری راحتتر و آزاد کردن نیروی کار زنان است. یعنی آنان حتی اجازه نمی دهند یک مادر، نوزاد خود را یک دوره ی طبیعی ۲ ساله شیر بدهد و نهایت سعی اش را برای سلامتی نوزادش بکار بگیرد که سلامت نوزاد سلامت آینده ی جامعه است، برایش شیرخوارگاه تاسیس می نمایند تا بلافاصله بعد از زایمان و التیام زخمهایش او را دوباره روانه ی بازار سود و سرمایه اش کنند. صبح که به سر کار میروند نوزادانشان را به شیرخوارگاهها و لباسهای چرکشان را به رختشویخانه های محله بسپارند و شب که از سر کار برمی گردند تحویلشان بگیرند.

حتما فراموش نکرده اید که جامعه هنوز طبقاتی است و نیروی کار فراوان و ارزان برای سرمایه داران موهبتی الهی است. در چنین جامعه ای برای زنان در بیرون از خانه نقل و نبات نریخته است مخصوصا در کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه مانند کردستان که مورد بحث این برنامه است، استثمار جنسی و جسمی از زنان آمار بسیار بالایی دارد.

این سیستم منسوخ شده، رفاهیات زندگی را بصورت همگانی و در محلات تامین می کند و سعی در اداره ی جامعه به شکل کمپهای پناهندگی و یا اردوگاههای کار دارد که امتحان تاریخی اش را در قرن بیستم پس داده و مردود شده است. جامعه ی کردستان چه از لحاظ منابع طبیعی

و چه از لحاظ نیروی کار جامعه‌ی ثروتمندی است. مردم امروزه رفاهیات را به نوع دیگری تعبیر می‌کنند و توقعات دیگری دارند.

این "و غیره" ای هم که در بندها آمده تفسیر بردار است. برنامه چه چیز دیگری از این شکل را می‌خواهد اضافه نماید؟ باید نام ببرد. بحث من محدود کردن زنان به کارخانگی نیست بلکه هدف رو کردن مقاصد پشت پرده‌ی بیرون کردن زن از خانه است. این نگرش زندگی زنان را بر اساس "کار" تنظیم و معنا میکند. معیار اصلی آن "کار" است و بقیه‌ی ارزشهای اجتماعی زن را حاشیه می‌داند.

و همچنین این نگرش قدرت و توان مرد در انجام کارهای اجتماعی را رفرنس و مبنای مقایسه قرار داده و سعی در آن دارد که زن را به استانداردهای کاری مرد برساند به همین خاطر بر ایجاد شیرخوارگاه، مهدکودک و لباسشویی و... در محلات اصرار دارد که به قولی دیگر بهانه‌ای برای زنان باقی نگذاشته باشند و برابر مرد از آنها کار بکشند تا بهشان مزد برابر تعلق گیرد؟!!!

باید توجه داشته باشیم که انسان تا حدی مشخص و محدود میتواند با طبیعت مقابله کند. ما همواره عضوی از این طبیعت هستیم و تابع قوانین آن. بچه دار شدن از خصوصیات طبیعی زن است و همین خصوصیت غیرقابل تغییر باعث می‌شود که خواه ناخواه میزان مشارکت زنان در کار اجتماعی از مردان کمتر باشد. تحت فشار قرار دادن زنان برای انجام کار برابر با مردان از یک طرف منجر به پایین آمدن تمایل به تولید مثل در آنان میگردد که عواقب اجتماعی آن پیری و ضعیف شدن زیربنای انسانی جامعه است و از طرف دیگر فشار مضاعف بر جسم و روان زنان است. در این میدان کار و رقابت بین زن و مرد، زن هیچوقت قادر به پر کردن فاصله‌ی خود با مرد نخواهد بود و استمرار این وضعیت باعث سرخوردگی و از بین رفتن اعتماد بنفس او و بروز مشکلات روانی عدیده‌ای در آنان میشود. یادآوری این مسئله در اینجا هم ضروری می‌نماید که ما باید در پی تحقق خواست "استقلال و آزادی" زنان باشیم. هرکسی باید بر اساس تواناییهای فردی خودش حق انتخاب و پیشرفت داشته باشند نه بر اساس و در مقایسه با تواناییهای دیگران. زنان هم از قاعده مستثنی نیستند.

"وابسته کردن حقوق زنان به کار اجتماعی بدون در نظر گرفتن نقش بیشتر زنان در امر تولید

مثل برای بقای جامعه، ظلم مضاعف به زنان است. (به نقل مقاله مارکس و برابری (بحثی انتقادی در مورد

"برابری")

از تمایزات اصلی نگرش کمونیستی با نگرش سرمایه داری در مورد "کار" این است که در فلسفه کمونیستی "کار" باید در خدمت زندگی انسان باشد و باید به اندازه‌ی نیاز جامعه انجام بگیرد در صورتیکه سرمایه داری زندگی انسان کارگر را برای کار (سودسازی) می‌خواهد و تمام زندگی آنها را در ارتباط با "کار" تعریف می‌کند. انسان کارگر در نگاه سرمایه داری موجودی است که صبح‌ها باید به سرکار برود و شبها از سر کار برگردد و دیگر خارج این تعریفی برای انسان کارگر ندارند.

در بند ج نیروهای مسلح فصل اول ساختار حاکمیت در کردستان چنین آمده است:

- ارتش، سپاه پاسداران و کلیه ارگانهای اطلاعات و امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی منحل می گردند و یک سازمان مسلح توده ای تحت فرمان کنگره ی سراسری شوراها ایجاد می گردد.

...

از این بند استنباط می شود که سازمان مسلح توده ای دیگر حقوق بگیر نباشد. به این معنی که به خاطر نگهداری اسلحه، پول دریافت نکنند بلکه همزمان که توده ها آماده برای دفاع از دستاوردهای انقلاب هستند، یک نیروی آماده به کار اجتماعی هم باشند و زندگی و امرار معاششان از راه کار کردن در جامعه تامین شود. پس تمام این نیروهای آزاد شده هم، به نیروی کار جامعه باز میگردند.

در کنار اینها حذف بسیاری از کارها و مراکز و نهادهای اضافی دولتی تحمیل شده به جامعه از جانب رژیم گذشته (مانند ادارات اوقاف و حج و بانکهای خصوصی و...) باز هم امکان آزاد شدن نیروی کار بیشتری را فراهم میکند.

و همچنین از بین بردن شغل‌های کاذب مانند دستفروشی، معاملات خارج از قانون (قاچاقچیان کالا)، کارگران مرزی و کولبران و ... و بکارگیری نیروی کار این افراد در مراکز تولیدی و خدماتی مورد نیاز جامعه باز دسترسی به نیروی آماده به کار را بالا می برد.

دیگر سران سیاسی و اعضای احزاب نباید از راه حزبیت امرار معاش کنند بلکه همه باید در کار اجتماعی مسئولیت بر عهده داشته باشند و زندگی شخصی شان را از راه کار کردن اداره نمایند.

و باز میتوان به ماشینیسیم و کامپیوتریزه شدن صنعت هم اشاره کرد که امروزه با توجه به پیشرفتهای خارج از تصور علم و تکنولوژی، به نسبت گذشته نیروی کار انسانی کمتری در مراکز تولیدی صنعتی مشغول بکار هستند و نیروی کمتری را می طلبند.

همچنانکه در مقدمه ی برنامه هم آمده است اگر ما برای جامعه ای تلاش می کنیم که در آن "از هرکس به اندازه ی توانش و به هر کس به اندازه ی نیازش" متحقق شود، باید به اندازه ی نیاز جامعه نیروی کار را آزاد کنیم و نه بیشتر، در غیر اینصورت نیروی کار آزاد شده ی اضافی دست سرمایه داران را برای تحمیل خواستهای استثمارگرانه شان بر طبقه ی کارگر آزاد می گذارد و به آنها این امکان را می دهد که همواره کارگران را به اخراج تهدید کنند و یا به تنزل از خواسته‌هایشان وادار نمایند. فراخ بالی سرمایه داران در دسترسی به کارگران فراوان در جامعه مفاد مندرج در فصل نهم "قانون کار و حقوق کارگران" را عملاً تحت فشار جدی قرار خواهد داد. در چنین شرایطی در بین کارگران نیز برای رسیدن به موقعیت بهتر کاری رقابت ایجاد خواهد شد و به مرحله ای خواهند رسید که بر ضد خودشان عمل خواهند کرد.

همه ی افراد جامعه نباید کار کنند بلکه کودکان، بیماران، پیرها و سالخوردگان، دانشجویان پایین ۳۰ سال و مادران حامله ۶ ماه قبل از زایمان و ۲ سال بعد از زایمان برای شیردهی و پرورش نوزاد باید از دایره ی کار اجتماعی بیرون گذاشته شوند و تنها کسانی که شرایط کار کردن دارند باید به کار مشغول شوند. چنین نیروهای آماده به کاری به اندازه کافی در جامعه ی کردستان موجود هستند و باقی خواهند ماند اگر مدیریت اجتماعی علمی و سیاستهای جمعیتی درستی اعمال شود.

در این بند جواب این سوال هم معلوم می شود که منظور از "تبعیض" در این برنامه چیست. محرومیت از امکانات ذکر شده از قبیل شیرخوارگاه، مهد کودک، رختشویخانه و غیره کلیه تبعیضات قلمداد شده است و به همین خاطر قاطعانه بیان می شود که تمام این تبعیضات بر طرف خواهد شد.

این نوع رفع تبعیض افقی است نه عمودی. برآورده کردن این امکانات و رفاهیات فقط طبقه ی محروم جامعه را مورد خطاب دارد و برابری را فقط محدود به کارگران و تهی دستان جامعه وعده می دهد و زندگی ثروتمندان را دست نخورده باقی می گذارد. زیرا طبقه ی ثروتمند و سرمایه دار جامعه اصلا به این امکانات همگانی در محلات نیازی ندارد. با این حساب باز هم در جامعه دو نوع زندگی با دو کیفیت متفاوت برقرار است محرومان جامعه در برخورداری از این رفاهیات همگانی در محلات برابرند و ثروتمندان هم در سطحی بالاتر و کاملا متفاوت برابرتر زندگی می کنند!! شعار "لغو کلیه تبعیضات علیه زنان" در چنین جامعه ای بی پشتوانه و بی اساس است.

در بند شماره ۱ از فصل پنجم حقوق کودکان آمده است:

- تضمین زندگی و رفاه کودکان، مستقل از وضعیت خانوادگی، از طرف دولت. دولت موظف است استاندارد واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی و معنوی کودکان و نوجوانان را، در بالاترین سطح ممکن، تضمین کند؛

و در بعضی بندهای دیگر همین فصل و همچنین در بند شماره ۶ از فصل ششم رفاه عمومی و بیمه های اجتماعی نیز بر تضمین رفاه کودک مستقل از وضعیت خانواده تاکید شده است.

چرا مستقل از وضعیت خانواده؟ آیا میدانید وضعیت مادی و معنوی والدین و کودکان در یک خانواده رابطه مستقیمی با یکدیگر دارند؟ مگر نه اینکه هر اندازه وضعیت رفاهی خانواده بالاتر باشد میزان سلامت افراد این خانواده بالاتر می رود و در مقابل میزان ناهنجاریها و بزهکاریهای اجتماعی آنها پایین می آید. مگر نه اینکه وضعیت پدر و مادر تاثیر مستقیمی بر وضعیت روانی فرزندان خانواده دارد. اگر کودکی به خاطر فقر پدر و مادر و خانواده از یک سری امکانات محروم است، چرا خانواده اش را تقویت نمی کنید که اعضای دیگر خانواده هم زندگی بهتری

داشته باشند و پیوند خانوادگی شان محکم تر شود؟ چرا در یک خانواده یکی را بهر مند می‌کنید و دیگری را نه؟ یک کودک از وضعیت خانواده مستقل نمیشود مگر آنکه او را از خانواده جدا کنید. آیا این سیاست به گسست خانوادگی و تضعیف بنیانهای آن نمی انجامد؟

این بند اگر فقط به مسائل تربیتی (به تعبیری همان رشد معنوی) اشاره داشت قابل دفاع بود. مبنی بر اینکه پدر و مادر هر عقیده و مرام و مذهبی که داشته باشند، فرزندانشان باید تحت نظر مربیان و معلمان در مدارس با شیوه های علمی پرورده شوند و در این مورد قوانین محدود کننده برای پدر و مادر در نظر گرفته شود، اما این بند سعی در مستقل کردن وضعیت رفاهی (اقتصادی) کودک از خانواده را دارد، که این امر همانطور که گفته شد تنها با جدا کردن کودک از خانواده ممکن است که آن هم به گسست کودک (پایین ۱۸ سال) از خانواده می انجامد. بهتر است که وضعیت اقتصادی خانواده تقویت شود و از این طریق وضع کودک از لحاظ رفاهی بالا برود. به این ترتیب روابط و وابستگی خانوادگی هم تقویت میشود. در این حالت اگر در جایی محرومیتی بر کودک از جانب والدین اعمال شد، براساس قانون با والدین خاطی برخورد شود.

بهترین شیوه ی تربیت و پرورده کردن کودک این است که در کنار مدرسه ای علمی، از خانواده ی سالمی هم برخوردار باشد. پس برای حفظ سلامت جامعه باید به تقویت و مراقبت از سلامت خانواده توجهی ویژه داشت و در این راستا سیاست گذاری کرد.

در کل سیاست جمعیتی و جایگاه خانواده در این برنامه روشن نیست. اصلا نمی شود فهمید برنامه چه سیاست روشنی را در قبال خانواده و تنظیم جمعیت جامعه دارد. آیا خانواده را به عنوان سلول جامعه و کوچکترین تشکل اجتماعی قبول دارد یا نه؟ آیا در جهت تحکیم خانواده براساس اصول انسانی میخواید پیش برود یا در جهت الغای خانواده گام برمی دارد؟ سیاستگزاریهای این برنامه به تضعیف خانواده می انجامد و به آن لطمه های زیانباری خواهد زد که جبران آن به آسانی صورت نخواهد گرفت.

امروزه یکی از مشکلات جدی جوامع غربی این است که جمعیتشان پیر شده است و شاخصهای رشد جمعیتی شان ثابت و یا اغلب منفی است که این خسارت اجتماعی به آسانی جبران پذیر نیست. جامعه ی کردستان جامعه ی جوانی است و باید برای حفظ شادابی و جوانی آن سیاستهای درستی اعمال شود. برای کنترل جمعیت (رشد، ثابت نگه داشتن و یا کاهش جمعیت) بر اساس نیاز جامعه باید از سلول جامعه یعنی خانواده به خوبی محافظت شود و آنرا تقویت نمود. تقویت خانواده الزاما به معنای تولید فرزند بیشتر نیست بلکه حفظ بنیان و توانایی بالقوه است برای کنترل جمعیت و سلامت روانی افراد جامعه. و همچنین میتوان از خانواده به عنوان کوچکترین تشکل اجتماعی نام برد که سد محکمی است درمقابل اتمیزه شدن جامعه. این تشکل کوچک باید حفظ شود.

مسکن فقط چهار دیوار و یک سقف نیست بلکه امروزه تعریف مسکن مناسب و استاندارد با تمام امکانات رفاهی مدرن در درون خانه تکمیل میشود و این خواست تمام مردم جامعه است و باید به این خواست جواب داد.

در این بین وجود مراکز همچون درمانگاههای مجهز، مهدکودک برای کودکان بالای ۲ سال، تقویت و مدرنیزه کردن مدارس جهت آموزش و سوادآموزی، باشگاههای ورزشی جهت سلامتی جامعه و همچنین تقویت و استاندارد کردن راهها و مدرنیزه کردن سیستم حمل و نقل عمومی (این برنامه مورد به مورد به احداث رختشویخانه و غذاخوری و ... در محیط کار و محلات پرداخته است اما در هیچ جایی به تقویت راهها و مدرنیزه کردن سیستم حمل و نقل عمومی اشاره ای ندارد. این نیز یکی دیگر از کمبودهای اساسی این برنامه است. حمل و نقل عمومی یکی از ضرورت‌های اصلی و مهم دنیای امروز است که باید توجه خاصی به آن شود.) ضرورت خودشان را حفظ کرده اند و مردم خواهان این مراکز و رفاهیات در جامعه هستند.

تکنولوژی تغییرات و توقعات متفاوت فراوانی در جوامع بوجود آورده است بطوریکه امروزه حتی مراجعه به کتابخانه های عمومی هم به علت وجود اینترنت و نشر اینترنتی کتب بسیار کمتر از سابق شده است. این روند در آینده مسلماً ادامه خواهد داشت. بیشتر افراد جامعه نیازمندیشان به اینترنت جهت مطالعه و کسب اطلاعات به مراتب از کتابخانه های عمومی بیشتر شده است و این امکان برایشان فراهم شده است که بیشتر وقتشان را در خانه مطالعه و تحقیق کنند.

امروزه یک دانشجو و محقق یا هر فردی در جامعه که خواهان مطالعه و کسب اطلاعات باشد بیشتر به کامپیوتر و خط اینترنت قوی نیاز دارد. علاوه بر این، اینترنت و دسترسی به دنیای مجازی به یکی از مهمترین ابزارهای آزادی بیان تبدیل شده است. برنامه باید برای برآورده کردن این نیازهای ضروری و مدرن در جامعه ضمانت بدهد.

به این بند در بخش حقوق اقتصادی زنان دقت کنید:

- **برخورداری از ۶ ماه مرخصی دوران بارداری و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد که با توافق والدین مورد استفاده قرار می گیرد.**

این بند هم همزاد بندهای بالایی است. در حالیکه یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد کم است و زنی که زایمان کرده است باید حداقل ۲ سال به شیردهی و پرورش نوزادش بپردازد که سلامت او سلامت آینده ی جامعه است، این بند این یکسال مرخصی زن برای نگهداری نوزادش را هم میخواید به توافق مرد خانه وابسته کند. چرا استفاده از مرخصی برای نگهداری نوزاد باید با توافق والدین صورت بگیرد؟ یعنی این بند دست مرد را باز گذاشته است که در صورت توافق(؟) ... بخوانید فشار مردخانه یا صاحبکار) از نوزاد نگهداری کند و زن را دوباره به سر کارش بفرستد (بر این قسمت نگاه مردسالارانه دارد فشار می آورد که زن را در استفاده از مرخصی دوران شیردهی و پرورش نوزاد آزاد نمی گذارد).

اگر مراحل بوجود آمدن و رشد یک انسان را به ترتیب به نطفه- جنین- نوزاد- کودک- نوجوان و ... تقسیم بندی کنیم، در مراحل نگهداری نطفه، جنین و نوزاد تا ۲ سالگی، این مطلقاً مادر است که عهده دار وظیفه است. این مادر است که باید در محیط آرام خانه بماند و از جنین، نوزاد و کودکش نگره داری مداوم بکند. طبیعتاً در این مدت (اگر مرد خانه وجود داشته و بیرون از خانه شاغل باشد) مقدار کار بیشتری در خانه بدوش زن می افتد که همانگونه که در بالا اشاره شد پیشرفت تکنولوژی سختی کار خانه را از بین برده است و زن همزمان با نگهداری از نوزادش وقت اضافی برای بعضی از کارهای مورد علاقه و تفریحات خارج از خانه هم خواهد داشت اما محور اصلی کارش در این مدت نگهداری از سلامت خود و نوزادش است. این امر دیگر ظلم به زن تلقی نمیشود. جامعه و مرد خانه (اگر مردخانه ای هم وجود نداشت فقط جامعه) موظفند در این مدت آرامش و رفاهیات زن و نوزاد را فراهم سازند. باید توجه شود که از حقوق بی پرو برگرد نوزاد دسترسی مداوم به مادرش و تغذیه کامل از شیر اوست.

« شیر مادر بهترین و کامل ترین غذا برای نوزادان و شیرخواران تا پایان ۲ سالگی است. به طوری که تغذیه انحصاری با شیرمادر از بدو تولد تا پایان ۶ ماهگی و سپس ادامه آن همراه با تغذیه تکمیلی تا ۲ سالگی منجر به رشد و تکامل کودک می شود. مزایای شیر مادر از جنبه های مختلفی قابل بررسی است جنبه هایی چون فواید مربوط به کودک و مادر، فواید اقتصادی، اجتماعی و...» (داخل گیومه از اینترنت گرفته شده)

امروزه در شرایطی که در تمام جهان و مخصوصاً در کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه که بازار پر شده است از کالاهای غیر استاندارد و بی کیفیت و محصولات بشدت مضر آنتی بیوتیکی و پرورش یافته با مواد شیمیایی مضر با عوارض دراز مدت فراوان که سلامت کل جامعه (مخصوصاً طبقه ی محروم و زحمتکش) را با خطرات جدی روبرو نموده و آمار بالایی از افراد جامعه را دچار بیماریهای مزمن و مرگهای غیرطبیعی کرده است، یک نوزاد با سیستم ضعیف دفاعی بدن با چه تضمینی در شیرخوارگاهها میتواند از عوارض چنین محصولاتی مصون بماند؟ آیا این نوزاد در آینده از زندگی سالم و شادابی برخوردار خواهد بود؟ چه کسی چنین ضمانتی را میدهد؟ فارغ از تباه شدن زندگی کسی که در دوران نوزادی دچار بیماری می شود که اغلب لاعلاج و یا با صرف هزینه های بسیار گزاف علاج میشوند آیا میدانید برای نگهداری و بهبودی چنین بیمارانی در آینده چقدر باید نیرو و هزینه ی جامعه صرف شود؟

شیر مادر سالمترین و کاملترین غذا برای نوزاد است و از حقوق مسلم هر نوزادی این است که باید از شیر مادرش تغذیه نماید تا آینده ی سالم و شادابی داشته باشد. حقوق نوزاد و کودک باید از طریق تقویت خانواده اهدا شود نه از راههای دیگر.

تحت هیچ شرایطی نوزاد نباید از شیر مادر محروم شود این قانون انسانی و درستش است. در واقع شرایط را باید طوری تنظیم نمود که این اصل برقرار گردد نه برعکس این اصل را فدای شرایط نمود.

لازم به تذکر است که این برنامه در هیچ جایی به حقوق نوزاد اشاره ای ندارد و در فصل پنجم تنها به حقوق کودکان پرداخته است. در این برنامه زندگی مادر در ارتباط با "کار" تنظیم شده و حقوق نوزاد هم فدای همین سیاست گردیده.

یکی دیگر از بندهای برنامه در مورد فحشا است.

تمایز فحشا و تن فروشی

واژه های "فحش"، "فاحشه" و "فحشا" همخانواده می باشند و تعبیری هستند که در ذهن مردسالار و ناموس گرا شکل می گیرند و بیشتر برای توهین به زن به کار برده می شوند. در این تفسیر حتی اگر کسی تمایل بیشتری به ارتباط جنسی داشته باشد فاحشه محسوب می شود. در صورتیکه بحث ما نباید میزان تمایلات جنسی فرد باشد بلکه باید اعتراض ما به تن فروشی باشد. یعنی به کالا کردن سکس در مقابل پول و نیازمندیهای معیشتی و یا موقعیتهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باید ممنوع باشد اما اگر کس یا کسانی بدور از تن فروشی و بر اساس تمایلات فردی و اصول انسانی تمایل بیشتری به رابطه ی جنسی داشته باشند نباید افکار عمومی جامعه را علیه آنان تحریک کرد و تحت نام جلوگیری از جریحه دار شدن احساسات عمومی و یا توهین به فرهنگ و اعتقادات مردم و یا چیزهایی از این قبیل آنها را تحت پیگرد قرار داد. (این اواخر ظاهرا در پارک آزادی سلیمانیه دختر و پسری را برای یک بوسه ی عاشقانه مورد پیگرد قانونی قرار داده بودند. این رفتار در ذهن بیمار بعضی ها به فاحشه گری تعبیر می شود (!!)

علیرغم انتقادهای بنیادین به نگرش "برابریخواه" و "کارمحور" در محتوای بندها، در یک جمع بندی کلی میتوان از موارد زیر به عنوان موارد مبهم و بحث انگیز و جزو کمبودهای اساسی برنامه کومله برای حاکمیت مردم در کردستان نام برد:

1- تعیین محدوده جغرافیای سیاسی مشخص

2- تعیین نوع حکومت مشخص

3- تعیین نظام اقتصادی مشخص

4- نگاهی علمی به مسئله کنترل جمعیت و تقویت و محافظت از بنیادهای خانه و خانواده و در همین راستا تضمین مسکن با تمام امکانات زندگی مدرن.

5- به رسمیت شناختن حقوق نوزاد

6- ضمانت تقویت و استاندارد کردن راهها و مدرنیزه کردن سیستم حمل و نقل عمومی با لحاظ کردن استانداردهای محیط زیستی

7- ضمانت برقراری شبکه اینترنت جهانی

8- تقویت و مدرنیزه کردن سیستم کشاورزی و دامپروری و در همین راستا تقویت تولید محصولات غذایی طبیعی و بیولوژیک و همزمان کم کردن و در نهایت از بین بردن تولید محصولات آنتی بیوتیکی و پرورشی با مواد شیمیایی که عوارض دراز مدت و خطرناک برای سلامت جامعه دارند.

9- ایجاد مراکز خرید و تعاونی های تامین مایحتاج روزانه ی مردم در مناطق مختلف شهری و روستایی

10- تلاش برای به حداقل رساندن تفاوت بین شهر و روستا و برقراری و ایجاد تمام امکانات مدرن شهری در روستاها از قبیل برق، آب آشامیدنی، مراکز بهداشتی و درمانی، مدارس پیشرفته و استاندارد، تعاونی ها و مراکز خرید، اینترنت و تقویت راهها و مدرنیزه کردن سیستم حمل و نقل عمومی بین شهر و روستا متناسب با شرایط جغرافیایی.

❖ ترتیب قرار گرفتن فصلهای برنامه منطقی نیست.

دو نگاه کلی متفاوت بر این برنامه حاکم است که دو چشم انداز جداگانه را برای فردای جامعه ی مورد بحث ترسیم می کنند. چشم انداز اول **حکومت شورایی** (حاکمیت شورایی هم آمده- واژه ی حاکمیت بار معنایی قهری تری دارد) است و چشم انداز دوم **حاکمیت انقلابی**. بر فصلهای اول و دوم و سوم چشم انداز حکومت شورایی حاکم است و بر فصل چهارم حقوق زنان که در بالا به نقد کشیده شد چشم انداز حاکمیت انقلابی. بر روی بقیه ی فصلها تقریباً مشترک نظر وجود دارد تا فصل آخر (فصل نهم) که در بند اول: قانون کار و حقوق کارگران ردپای حاکمیت انقلابی به چشم می خورد (شماره ی ۱۴ ی این بند می گوید: مزد برابر برای زنان و مردان در ازاء کار یکسان) که از جنس بندهای فصل چهارم حقوق زنان است. ولی بر بند اقدامات اقتصادی همین فصل نگاه حکومت شورایی حاکم شده است. حال سوال این است که سرفصلهای برنامه چرا به اینصورت چینش شده اند؟ چرا بند اقدامات اقتصادی که یک بند زیربنایی برای هر برنامه ای است در فصل آخر و در یک جمله کوچک با اشاره ای مختصر گنجانده شده است؟ در صورتی که می بایست حداقل بعد از فصلهای اول ساختار حاکمیت در کردستان و فصل دوم حق تعیین سرنوشت، به عنوان سرفصل سوم (و نه

یک بند از یک فصل دیگر که این مهم را کاملا حاشیه ای و کم رنگ کرده است) به مبانی اقتصادی می پرداخت و از آنجا حقوق و آزادیهای فردی، اجتماعی و سیاسی را منتج می کرد.

❖ دلایل

چرا چنین است؟

مهندسی معکوس می گوید که این برنامه در توافق دو جناح مدعی قدرت حزبی تنظیم شده است:

جناح حکومت شورایی با نگاهی واقع بین تر
جناح حاکمیت انقلابی، که مطالباتش با محوریت "برابری" و "کار" تنظیم شده است.

بندهایی که جناح حکومت شورایی در برنامه کومله برای حاکمیت مردم در کردستان بر آن تاکید دارد از "برنامه کومله برای خودمختاری کردستان" (۳) گرفته شده است و بندهایی که جناح حاکمیت انقلابی در این برنامه بر آن اصرار دارد از "برنامه حزب کمونیست ایران" (۴) اقتباس شده است.

پر واضح است انتقادات وارده به برنامه ی کومله برای حاکمیت مردم در کردستان و کمبودهای این برنامه متوجه دو برنامه ی مرجع آن نیز هست.

مطالبات برنامه حزب کمونیست ایران بر اساس دو محور اصلی "برابری" و "کار" تنظیم شده است و به همین اعتبار مبنای مارکسیستی آن ضعیف است و با نفس یک برنامه ی همه جانبه ی کمونیستی فاصله دارد. روایتی که این برنامه از سوسیالیسم به دست میدهد امتحان تاریخی اش را پس داده است. بعضی از جوامع قرن بیستم زندگی تحت این شیوه از اداره جامعه را تجربه کرده و از آن برگشته اند. برگشتن این جوامع از این شیوه ی اداره ی جامعه به معنی شکست اجتماعی آن است.

این دو جناح درون حزبی هر کدام بندهای برنامه ای خود را جداگانه و بر اساس چشم اندازها و دیدگاههای خود ترسیم کرده و در یک توافق سیاسی برنامه ای را تنظیم کرده اند که بعضی از بندهای آن مبهم و در تقابل با یکدیگر هستند و اعتبار و پشتوانه ی اجرایی ندارند. مسلما اگر ترتیب منطقی و اصولی فصلها رعایت میشد خواننده سریع به تناقضات برنامه پی میبرد. زیرا معمولا خواننده ی عادی بندها را بصورت خطی و از ابتدا به انتها می خواند و کمتر بندها را از انتها به ابتدا و یا مضمونی بررسی و با هم مقایسه می کند. این یک ترفند روانشناسانه است که دو جناح بکار برده اند تا تناقضات برنامه را در لابلای این آشفتگی ها و پس و پیش کردنها گم کنند و آن را به تصویب اعضا و تایید خوانندگان خود برسانند.

برنامه کومله برای حاکمیت مردم در کردستان یک برنامه نیست بلکه در واقع می تواند دو برنامه باشد که در یک برنامه ی توافقی خلاصه نویسی شده است. جناحهای تنظیم کننده بر روی بعضی از مسایل اساسی و کلیدی توافق ندارند به همین خاطر بر روی فصلهای خاصی مشخصا کلید واژههایی همچون "حکومت شورایی" و "حاکمیت انقلابی" را بکار برده و بر

آنها مُهر جناحی زده اند و برای پوشاندن این اختلاف نظر و پرهیز از برجسته کردن آن روی فرمول **حاکمیت مردم** در عنوان برنامه به توافق رسیده اند.

صد البته در عالم سیاست احزاب و جریانات سیاسی و حتی جناحهای درون حزبی مجازند که بر سر مسائل مختلف که مورد اختلاف هستند به نحوی از انحاء توافق کنند. در این مسئله هیچ شکی وجود ندارد اما از یک حزب مسئول انتظار می رود که اختلافات درون حزبی را به این شیوه ی نادرست از لحاظ اخلاق سیاسی به تصویب نمایندگان و اعضای خود نرساند حال اینکه مردمی که قرار است برایشان برنامه ی خوشبختی تنظیم کنید هم مستحق چنین برخوردی نیستند.

این جناحها باید بطور علنی و شفاف خواستها و راهکارهای خود را برای آینده ی کردستان به عرض اعضا و جامعه برسانند و حق انتخاب آزادانه و آگاهانه را برای اعضای تشکیلات و مردم کردستان به رسمیت بشناسند. شیوه های اینچینی - با پیچاندن مسائل- حق انتخاب آزادانه و آگاهانه را از مردم سلب می کند که این قابل قبول نیست.

❖ نتایج و عواقب

نتایج عملی چنین برنامه ی متناقضی در فردای احتمالی بقدرت رسیدن کومه در هر مقیاسی، برای جامعه ی تحت کنترل فلج کننده و مصیبت بار خواهد بود. بندهای اساسی مورد اختلاف جای خود را به بی برنامه گی میدهند و همین امر عرصه را برای سوءاستفاده و فساد سیاسی کاملاً باز می کند. در چنین فضایی درگیری و رقابت ناسالم جناحی درون حزبی برسر کسب قدرت بسیار محتمل است و دودش تماماً به چشم مردم زحمتکشی خواهد رفت که برای رهایی از فلاکت گذشته چه رنجها که نکشیده و چه مصیبتها که تحمل نکرده اند.

در سطح تشکیلاتی و حزبی هم توافقات پنهانی جناحها منجر به تشکیل محافل و سبک کاری شده است که در آن مکانیزمهای دمکراتیک بی خاصیت شده و درست عمل نمی کنند و ...

در خاتمه:

منطقه ی خاورمیانه در حال تغییر و تحولات سیاسی وسیعی است. در این بین وضعیت کردستان به یکی از موضوعات مهم منطقه تبدیل شده است. همین امر حکم میکند همزمان که تحولات منطقه را زیر نظر داریم، نگاه دقیق تری هم به اوضاع درونی خودمان داشته باشیم. سعی در تقویت نقاط قوت خود کرده و در جهت رفع نقاط ضعفمان برآییم. این مهم فقط با پلمیک جدی سیاسی و انتقادهای بی رحمانه از خود میسر خواهد بود. تعهد مبارزاتی به نسبت سرنوشت مردم کردستان به ما حکم می کند که از هم اکنون در صدد رفع ابهامات و یافتن راه حل برای اختلاف نظرها برآییم و آنها را به آینده موکول نکنیم. مردم کردستان نباید از اختلاف نظرهای درون حزبی کوچکترین آسیبی ببینند.

در این رابطه سوالات سیاسی زیادی مطرح می شود از جمله:

آیا با سبک کار فعلی کومله می تواند جوابگوی شرایط ناپایدار سیاسی منطقه باشد؟ اگر در هنگام تنظیم این برنامه شرایط سیاسی کومله بعد از انشعابات اقتضا می کرد که با چنین مشکلات و تناقضات درونی کنار بیاید، آیا هنوز این ضرورتها پا برجایند و چنین توافقاتی را اقتضا می کنند؟

کومله چگونه می تواند از این ناروشنیهها و تناقضات سیاسی رهایی یابد؟ مسئولیت کومله در قبال مردم کردستان کدام است؟ توقع مردم کردستان از کومله چیست؟ و سوالاتی از این دست که جواب عاجل می طلبند....

✓ پایان بحث

۱۶ دسامبر ۲۰۱۳

(۱)- لینک برنامه کومله برای حاکمیت مردم در کردستان از سایت حزب کمونیست ایران

<http://cpiran.org/ketabkhane/asnad/pdf/bhbmkn.pdf>

(۲)- لینک مقاله ی "مارکس و برابری (بحثی انتقادی در مورد برابری)" از سایت مبارزه طبقاتی

<http://www.m-tabaghati.com/maghalat/bahsi-enteghadi-dar-morede-barabari-shahrooz-nasari.pdf>

(۳)- لینک برنامه کومله برای خودمختاری کردستان از سایت حزب کمونیست ایران

http://cpiran.org/elamiyeha/elamiyeh_b.html

(۴)- لینک برنامه حزب کمونیست ایران از سایت حزب کمونیست ایران

<http://cpiran.org/ketabkhane/asnad/pdf/bhcn.pdf>